

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران – توفان

دوم اپریل ۲۰۱۲

## دخالت بیشرمانه امپریالیسم در امور داخلی سوریه

### با نقض آشکار همه موازین حقوق ملل

اکنون یکسال است که نمایشات اعتراضی در سوریه ادامه دارد، ولی دولت بشار اسد بر سر قدرت باقی مانده است. دولت بشار اسد در قیل از دسیسه های اخیر امپریالیستها علیه حاکمیت سوریه، مدتها به دنبال برنامه های اقتصادی نئولیبرالی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول رفت و اقتصاد سوریه را با مشکلات عدیده روبرو نمود. این دولت در مبارزه علیه تروریستهای القاعده متحد رسمی امپریالیسم امریکا بود و بسیاری از اسراء را برای شکنجه به زندانهای سوریه می فرستادند تا آنها را مقرر آورند. دولت بشار اسد مانند حافظ اسد یک رژیم سرکوبگر و ضد کمونیستی بود که جنبش کمونیستی و کارگری را سرکوب کرده بود. رژیم بشار اسد با نظام حزب بعث که دست کمی از استبداد صدام حسین نداشت و ندارد، مقدرات مردم سوریه را در دست اقلیتی سرمایه دار غارتگر و تا حدودی خانوادگی قرار داده است. رژیم بعث سوریه یک رژیم غیر مذهبی است، که تلاشهای اخوان المسلمین را که با اخوان المسلمین مصر در تماسند به شدت سرکوب کرده است.

در این باره که رژیم سوریه یک رژیم دموکراتیک نیست، کسی در جهان دچار تردید نیست. ولی این همه حقیقت در مورد رژیم سوریه نیست. دولت سوریه در جبهه مقدم مبارزه علیه اسرائیل ایستاده است. دولت سوریه در دریائی از ممالک متزلزل نظیر لبنان و عراق قرار دارد و با سوء ظن به وضعیت افغانستان و لیبیا نگاه می کند. مردم سوریه نیز این حقایق را می بینند و توجه دارند که مخالفت اقلیت متشکلی در سوریه که به شدت از جانب نیروهای خارجی از هر نظر تقویت می شوند، دارای رنگ ارتجاعی مذهبی و ضد ملی بوده و کوچکترین رگه ای از دموکراسی در آن نهفته نیست. مردم سوریه که از سرنوشت ممالک مورد تجاوز و بی ثباتی دائمی آنها واهمه دارند، بختی هم در نزدیکی به اپوزیسیون خود فروخته سوریه که همدست امپریالیستهاست نمی بینند و به تدریج از این اپوزیسیون خود فروخته که عکس برگردان اپوزیسیون چلبی در عراق است، فاصله گرفته اند. آنها رژیم سرکوبگر بشار اسد را که امنیت سوریه را به شیوه خویش حفظ کرده است، بر آشوب مذهبی و رودروئی مذهبی

و استقرار یک رژیم سلفیستی زیر چتر وهابیت عربستان سعودی در سوریه، ترجیح می دهند. گذشته از این مردم سوریه به حمایت از جنبش فلسطین و لبنان و مقاومت در مقابل صهیونیسم اسرائیل می پردازند و واهمه دارند که رژیم غیر قابل محاسبه بعدی به این آمال ملی خیانت کند. انتخاب مردم سوریه یک انتخابی است که به آنها توسط شرایط عینی تحمیل شده است. آن میلیونها نفری که به حمایت از بشار اسد به خیابانها می آیند و یا آن اکثریت خاموشی که حاضر نیستند با اپوزیسیون خود فروخته همکاری کنند به این معنا نیست که همه مدافع رژیم بشار اسد هستند، آنها خواهان حفظ وطنشان سوریه می باشند تا استقلال و تمامیت ارضی اش را در مقابل تجاوز و تجزیه سوریه حفظ کند.

روزنامه زود دویچه سابتونگ در شماره ۱۷ تا ۱۸ ماه مارس ۲۰۱۲ در گزارشی از سوریه به نکات قابل تعمق زیر، با کنایه اشاره می کند. از جمله با حضور در یک مصاحبه می نویسد: "پشت همه این ها دول غربی قرار دارند. این ادعای عماد حامد است که خود را به عنوان آموزگار زبان انگلیسی در بوقاطی معرفی می کند. در رأس آنها ایالات متحده آمریکا و بعدش اسرائیل است. وی در خاتمه اظهاراتش خشمش را در مورد اتحادیه عرب نیز ابراز می دارد. "اصلا موضوع بر سر تحقق دموکراسی نیست"، "غرب می خواهد اسد را سرنگون کند، برای اینکه با ایران و حزب الله متحد است. کشورهای خلیج و عربستان سعودی می خواهند سوریه را اسلامی کنند". در این سناریو باید جانی هم برای القاعده در نظر گرفت که هنگهای ترورش با پول قطر به ضد ارتش قهرمان سوریه می جنگد و مردم را قصابی می کنند." همان روزنامه از قول وزیر امور خارجه اسرائیل آقای اویگدور لیبرمن می نویسد:

"اسرائیل کالاهای کمکی برای شورشیان آماده خواهد کرد. ریاست ارتش "بنی گانتس" (Ben Gantz) که با صدای بلند می اندیشید، به باز کردن مرز برای پذیرش فراریان سوریه فکر می کرد." خانم کلینتن وزیر امور خارجه آمریکا در همایش تونس که به ضد یک کشور مستقل عضو سازمان ملل متحد سرهم بندی شده بود، به صراحت و وقیحانه اظهار داشت: "امریکا ۴۰ میلیون دالر برای درمان مجروحین جنگی و ترتیب مداوای آنها اختصاص داده است". آن دارویی که امریکا به دست القاعده می رساند، ساخت کارخانجات تسلیحاتی امریکاست. روزنامه کلنر شتات انسایگه در المان در شماره ۱۸ تا ۱۹ فبروری ۲۰۱۲ در مورد نفوذ القاعده که با همدستی امپریالیستها و عربستان سعودی بنا بر مصلحت کنونی آنها تقویت می شوند، می نویسد:

"شبکه القاعده به اساس ارزیابی سازمانهای جاسوسی امریکا در بخشی از اپوزیسیون سوریه رخنه کرده است. مدیر سازمان جاسوسی امریکا "جیمز کلایپر" (James Clapper) در روز پنجشنبه در طی پرس و جوئی در کمیسیون سنا، اظهار داشت بمب گذاریهای اخیر در پایتخت دمشق و در مرکز اقتصادی حلب زیر سر القاعده بود." آقای توتن هوفر المانی که از شخصیتهای سیاسی دست راستی المان بوده است، در سفری به سوریه گزارشی منتشر کرده که در روزنامه کلنر شتات انسایگه مؤرخ ۲۶ و ۲۷ نومبر ۲۰۱۱ منتشر شده است. این گزارش مربوط به سفر ایشان به شهر حمص است. وی می نویسد:

"مجددا با جوانان بحث کردیم. این دفعه مسیحی بودند. آنها هم مرتب برای دموکراسی تظاهرات می کنند... آنها گزارش می دادند که مأمورین امنیتی بسیار وحشیانه عمل می کنند، ولی شورشیان تا دندان مسلح و بیرحم نیز همین کار را می کنند. تعداد آنها ۵۰۰۰ نفر است که تنها رقم ناچیزی از آنها سربازان فراری اند که آنها در تبلیغات غربیها اهمیت دارند. .. آنها فقط سربازان و مأمورین انتظامات را نمی کشند، بلکه حساب شده افراد عادی را نیز می کشند. و قبل از همه علوی ها و حتی مسیحی ها را هم می کشند. هر کس در حمص این قبیل موارد را می

شناسد. این ادعا که آنها برای حمایت از تظاهرات حضور دارند، بهانه ای بیش نیست. نیت آنها تشدید اختلافات، ایجاد هرج و مرج است. هیچ کس نمی داند چه کسی آنها را رهبری می کند...".

اعمال نفوذ امپریالیستها و سازمانهای جاسوسی و رسانه های صهیونیستی اشکال بسیار آشکار و گستاخانه ای به خود گرفته است. رنگ زورگوئی و وقاحت و ریاکاری از سرپای آن می بارد. همه دراکولاهای خفاش صفت، یکشنبه بشر دوست شده اند و دندانهای خویش را برای مکیدن خون مردم سوریه تیز می کنند.

خانم هاله قدمانی که یکی از چهره های اپوزیسیون سوریه است، در طی اعلامیه ای به ضد حمایت مودیانۀ برنارد هانری لوی که یک فرانسوی صهیونیست و از بانیان تجاوز به لیبیا بوده و با اپوزیسیون خودفروخته ایران نیز روابط حسنه دارد، برخاست و در طی مقاله ای اپوزیسیون سوریه را از همکاری با عمال صهیونیستها برحذر داشت و نوشت: "اپوزیسیون سوریه با نگرانی از سوء استفاده رژیم دمشق، خواستار بایکوت هانری لوی شده، او را "دشمن حقوق فلسطینیان" می خواند.

مجله "قاعده بازی" (La règle du jeu) متعلق به برنارد هانری لوی، چند تن از شخصیت های اپوزیسیون برون مرزی سوریه را برای شرکت در میتینگی در روز دوشنبه چهارم جولای در پاریس دعوت کرده بود، ولی آنان این دعوت را به طور علنی رد کردند. یکی از آنان اظهار داشت: "این پیام همبستگی به شرطی می توانست قابل شنیدن باشد که هویت پیام دهنده چنین مشکل ساز نمی بود".

خانم سهیر الاتاسی چهره معروف اپوزیسیون داخل کشور سوریه از مخفی گاه خود نوشت: "فردی که دشمن حقوق یک ملت [فلسطین] است، نمی تواند ادعای پشتیبانی از انقلابی را بکند که بر همان حقوق متکی است".

روز شنبه ۲ جولای، دوستان او متنی را منتشر کردند که وی از "سوریه ئی هائی که شرکت در کنفرانس دوشنبه پاریس را به دعوت "کمیتۀ نجات سوریه"، ساخته و پرداخته برنار هانری لوی، پذیرفته بودند، خواست که در آن شرکت نکنند و عدم شرکت شان را نیز به اطلاع عموم برسانند". او اضافه کرد: "همچنین من از سوری های آزاده و همه وجدان های حقیقت جو می خواهم که این کنفرانس را بایکوت کنند و دلیل این بایکوت را توضیح دهند".

برنار هانری لوی: "ارتش اسرائیل، انسانی ترین ارتش جهان مدرن"

اپوزیسیون سوریه به رغم مبارزه دشوار برای آزادی کشورشان، بر روی برخی اصول مصالحه نمی کنند. آنان با رد "سناریوی لیبیا"، اجازه نمی دهند که برنار هانری لوی و همدستان او که آشکارا پشتیبان فعال اسرائیل اند، از آرمان آنها سوء استفاده کنند.

سهیر الاتاسی یادآوری می کند:

"برنار هانری لوی کودکان مقتول غزه را "تلفات جانبی اجتناب ناپذیر جنگ با تروریسم" تلقی کرده و در پی کشتار اردوگاه جنین در سال ۲۰۰۲، توسط ارتش اسرائیل بر روی یک تانک اسرائیلی از اردوگاه دیدن کرد و عکس های وی و اظهاراتش در مطبوعات منتشر شد. او گفته بود: "ارتش اسرائیل انسانی ترین ارتش تاریخ مدرن" است.

"برنار هانری لوی، سوریه ئی ها را از حمایت خود معاف کنید!" .... (نقل از نشریه اینترنتی "خیابان ۸۹" RUE ۸۹)، سوم جولای ۲۰۱۱، تحت عنوان "اپوزیسیون سوریه حمایت مودیانۀ برنارد هانری لوی را رد می کند"، مؤرخ پنج شنبه ۷ جولای ۲۰۱۱، نویسنده: هاله قدمانی Hala Kodmani ترجمه بهروز عارفی).

بمب گذاریهای عوامل القاعده و سلفیستهای عربستان سعودی در شهرهای بزرگ نظیر شهر دمشق برای ایجاد اغتشاش و مشوش کردن افکار عمومی که بخشی از جنگ روانی امپریالیستها بود، در مردم تأثیرات معکوس به جای گذارد و آنها را بیشتر به دور بشار اسد متحد کرد.

دولت اسد از نظر سیاست ستراتیژیک جهانی در خاورمیانه و دسترسی بدون مانع امپریالیستها به منابع انرژی خلیج فارس، یک مهره ناجور به حساب می آید، زیرا هم متحد ایران بوده و از حزب الله لبنان حمایت کرده و مانند شمشر دموکلس بالای سر اسرائیل آویزان است و هم پایگاه دریائی خویش را در دریای مدیترانه به روسها واگذار کرده است و این امر برای پیمان ناتو دلچسب نیست و مانند استخوان لای زخم می ماند، که آنها را به شدت آزار می دهد. امپریالیستها برای فشار بر ایران و حفظ بقاء کشور اشغالگر اسرائیل، به این نیاز دارند تا رژیم کنونی سوریه را از پیش پای خویش به عنوان پایگاهی برای جنبش فلسطین بردارند. تغییر نظام بشار اسد، دست امپریالیستها و صهیونیستها را در سرکوب حزب الله لبنان و جنبش فلسطین و محاصره همه جانبه ایران باز می گذارد. شکست سوریه یک شکست ستراتیژیک برای ایران در منطقه است. این وضعیت شرایط بهتری برای تجاوز امپریالیستها به ایران فراهم می آورد. این تغییر رژیم سوریه، تأثیرات ستراتیژیک در منطقه دارد. این است که بخشی از تبلیغات اپوزیسیون خود فروخته در سوریه در خدمت ایجاد دشمنی با جمهوری اسلامی ایران است. آنها ایرانی های توریست را می ربایند و در رسانه های صهیونیستی به عنوان عمال سپاه پاسداران که مستقیماً در سرکوبها شرکت دارند نمایش می دهند. آنها توسط تصاویر جعلی و غیر قابل رسیدگی و تعقیب، به جنگ روانی در فضای مجازی علیه رژیم جمهوری اسلامی دست می زنند و با این کارشان در حقیقت نشان می دهند که سیاست آتی آنها، پس از استقرار قطعی رژیم مذهبی سلفیستی، اطاعت کامل از امپریالیست آمریکا و حمایت از عربستان سعودی و ایجاد رژیم اسلامبستی در سوریه است. مخالفت آنها با رژیم جمهوری اسلامی، در حمایت از مردم ایران نیست، در دشمنی آشکار و کینه توزانه با مردم ایران است، تا راه تجاوز امپریالیستها به ایران را هموار سازند و گرنه کسی مانع آنها نمی شود که به تجاوز عربستان سعودی به بحرین و اشغال بحرین اعتراض کنند. ولی شما حمایتی از مردم بحرین در مورد این اقدام جنایتکارانه عربستان سعودی نمی بینید. اپوزیسیون خودفروخته ایران نیز با این جنایتکاران به ضد ملت ایران همکاری می کند و نامش را مبارزه با جمهوری اسلامی می گذارند.

بخشی از اپوزیسیون سوریه خواهان همکاری با رژیم بشار اسد است، مشروط بر این که این رژیم به پاره ای اقدامات اصلاحی دست بزند. تغییر قانون اساسی و وعده های دموکراتیک و پذیرش آزادی احزاب و انتخابات آزاد، مانورهای اخیر رژیم بشار اسد، برای ایجاد تزلزل در میان اپوزیسیون سوریه است، که تا آنجا که به نظر می رسد با موفقیت روبرو بوده است. بخش مزدور امریکائی و فرانسوی این اپوزیسیون به زبان عربی اعلام کرد، که هدفش سرنگونی رژیم سوریه است و به هیچگونه اصلاحاتی روی موافق نشان نخواهد داد. البته این اپوزیسیون از روز نخست نیز در پس پرده با همین هدف به میدان آمده بود، ولی نمی توانست آن را به صراحت بر زبان آورد و باید خود را یک اپوزیسیون "دموکراتیک" نشان می داد. منفرد شدن این اپوزیسیون ناچیز، هر روز بیشتر آنها را به سمت موضعگیریهای ارتجاعی تر سوق داد، به طوریکه امروز دیگر به زبان انگلیسی و خونخوارانه سخن می رانند.

امپریالیستها کوشیدند عمال نظامی و تروریستهای اجیر خویش را از لیبیا و قطر و عربستان سعودی از طریق اردن و لبنان و ترکیه وارد سوریه نمایند. این تروریستها وظیفه داشتند نمایشات به دور از خشونت مردم را که خواهان اصلاحات دموکراتیک و اقتصادی بودند با هدف شلیک قرار دادن مردم و مأمورین رژیم اسد و سربازان ارتشش، از کمینگاههای خویش و انداختن گناه آن به گردن رژیم بشار اسد، موجی از تشویش و بحران و خونخواهی در پاره ای از شهرها ایجاد کنند. آنها برای توجیه دارا بودن این حجم از سلاحهای مدرن و مأمورین کارکشته نظامی، سازمان به اصطلاح "ارتش آزاد سوریه" را اختراع کردند، تا حضور نیروهای نظامی و تروریستی در سوریه را

با بی شرمی هر چه تمامتر برای فریب افکار عمومی جهان استتار کنند. امپریالیستها با این کار می خواستند دخالت مستقیم خویش در امور داخلی یک کشور مستقل را ببوشانند. دولت اسلامی ترکیه که پناهندگان ایرانی را پس می فرستد و آنها را به شدت تحت فشار قرار می دهد، در مرز ترکیه شهری برای پناهندگان سوریه بنا کرده است تا مرکز خرابکاری و اخلال در داخل خاک سوریه شوند. می خواهند نام این اردوگاه را منطقه "آزاد سوریه" بگذارند. این که چند هزار نفر از این افراد پناهنده واقعی هستند، بر کسی معلوم نیست. دولت ترکیه گاه و گداری با اشاره امریکا احساسات "بشردوستانه اش" جوش می آید و فریاد می زند، که دیگر درجه صبر و تحملش تمام شده و قادر نیست "کشتار" مردم سوریه را به عنوان ناظر بی طرف پذیرا شود. سازمانهای جاسوسی، مثنی خود فروخته و مستخدم را به جلوی دوربینهای خبرنگاران می آورند که درخواست کنند، در سوریه "منطقه پرواز ممنوعه ایجاد شود".

این اسم رمز درخواست به تجاوز به سوریه است و باید از وضعیت ساختگی تجاوز به لیبیا الهام گرفته باشد. انسان بی اختیار خنده اش می گیرد. در سوریه اساسا هواپیمائی پرواز نکرده است که برایش منطقه پرواز ممنوعه ایجاد کنند. از این گذشته دولت رسمی سوریه حق دارد در داخل کشور مستقل خودش به پرواز هواپیماهای سوریه ئی نظارت داشته و اختیارش را در دست داشته باشد، اگر منطقه ممنوعه ای باید عملی شود، مربوط به هواپیماهای ناتو است و نه هواپیماهای سوریه که هر لحظه باید بتوانند از تمامیت ارضی کشورشان در زمین و آسمان دفاع کنند. تلاش امپریالیستها برای سرنگونی رژیم سوریه با تکیه به اقلیتی وارداتی و ساختگی و خود فروخته، تا کنون با موفقیت روبرو نبوده است. تلاش برای ایجاد یک چتر توجیهی و حقوقی با تصویب قطعنامه ای مداخله جویانه در امور داخلی سوریه با وتوی روسیه و چین روبرو شده است و امپریالیستها را وادار کرده که پرده پوشی را به کناری نهند و رسماً فاتحه سازمان ملل متحد را با نقض همه مقررات و منشور آن بخوانند.

تجربه لیبیا و سوریه پایان مشروعیت سازمان ملل نیز به حساب می آید و باید به هوشیاری ملتها بیفزاید. منابع روسیه به نقل از نماینده دائمی روسیه در شورای امنیت سازمان ملل مطالبی به شرح زیر منتشر کردند: "ویتالی چورکین، نماینده دائمی فدراسیون روسیه در سازمان بین المللی، روز چهارشنبه در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرد: مسکو خبرهای مربوط به آموزش شرکت کنندگان درگیریهای مسلحانه ضد دولت سوریه در خاک لیبیا را با نگرانی دنبال می کند.

به گزارش «ریا نووستی»، روز گذشته در پشت درهای بسته، جلسه بررسی طرح قطعنامه جدید پیشنهادی ایالات متحده امریکا راجع به اوضاع سوریه با شرکت ۵ عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و نماینده مراکش برگزار شد.

ویتالی چورکین، نماینده دائمی فدراسیون روسیه در سازمان ملل متحد گفت: "خبرهای رسیده حاکی از آن است که در خاک لیبیا و با پشتیبانی دولت این کشور، مرکز مخصوصی برای آموزش به اصطلاح انقلابیون سوریه تأسیس شده است و آموزش دیدگان این مرکز برای انجام عملیات نظامی علیه دولت قانونی به سوریه اعزام می شوند. این اقدام بر هیچ یک از موازین بین المللی منطبق نیست. چنین اقداماتی تلاشها برای برقراری ثبات در منطقه خاورمیانه را مختل می سازد."

وی در ادامه سخنانش گفت: "با در نظر گرفتن این که القاعده در اراضی سوریه فعالیت می کند، این سوال پیش می آید که: آیا صدور تروریسم جایگزین صدور انقلاب نمی شود؟"

آقای لئونید ساوین تحت عنوان "چه کسی باند موسوم به "ارتش آزاد سوریه" را مسلح می کند در مجله امریکائی "سیاست خارجی" (Foreign Policy) در مقاله ای تحت عنوان "مسأله سوریه" به صراحت می نویسد: «حملة نظامی ناتو به لیبیا با مجوز سازمان ملل متحد و پول قطر، اینک می تواند در سوریه تکرار شود، ایالات متحده امریکا و متحدان ناتوی آن با تسلیح ارتش آزاد سوریه به اجرای همین سناریو مشغولند». همه اینها به عقیده نویسنده امریکائی، در چهارچوب دکترین «مسئولیت حفاظت» سازمان ملل متحد به اجراء گذاشته می شود. در عین حال، مؤلف با احتیاط چنین نتیجه گیری را می کند که یک تصمیم نادرست در باره سوریه می تواند به پیامدهای بسیار جدی منجر شود.

درست زمانی که پارلمان اروپا در ۱۶ فبروری با تصویب قطعنامه ای از روسیه می خواهد از فروش هرگونه سلاح و تجهیزات نظامی به سوریه خودداری نماید، در امریکا هیاهوی تحویل سلاح به هر کسی که برای سرنوشتی بشار اسد تلاش می کند، بلندتر شنیده می شود. جون مک کین برای «تسلیح اپوزیسیون» اصرار دارد و الیوت آدامس، عضو با نفوذ شورای روابط بین الملل در مصاحبه با سی ان ان (CNN) ضمن پشتیبانی اکید از موضع او، می گوید: «من خواهان دادن پول به آنها (اپوزیسیون سوریه. ل. س.) هستم و من خواهان تحویل سلاح به آنها هستم».

در هر حال، منظور از این فراخوانها، پرده پوشی است. در این که دولت باراک اوباما در مسأله سوریه، ضمن تأمین و تجهیز مخالفان بشار از طریق کشور ثالث هم با پول و هم با اسلحه، عملاً بازی دو گانه می کند، تردید نیست. ایالات متحده امریکا در طول ۲۰ سال اخیر بزرگترین فروشنده سلاح به کشورهای خاورمیانه بوده و تقریباً نیمی از همه تسلیحات و تجهیزات جنگی امریکا به این منطقه صادر می شود.

عنصر اصلی این بازی جنجالی، عبارت از ارتباط «ارتش آزاد سوریه» با تروریستهای اسلامی و سازمانهای جاسوسی غرب می باشد. «ارتش آزاد سوریه» شاخه نظامی شورای ملی سوریه، مخالف رژیم بشار اسد است و از سوی یکسری کشورهای غربی به رسمیت شناخته می شود. البته این مسأله که این «ارتش» از سوی خود اپوزیسیون به عنوان سازمانی تبلیغ می شود که از متمردان و فراریان از نیروهای مسلح سوریه تشکیل یافته، بخشی از واقعیت است. در صفوف آن، مجاهدان عرب قاتل سربازان امریکائی و متحدان آن در عراق و افغانستان و همچنین، مزدورانی از دیگر کشورها که پس از شروع مناقشات به سوریه اعزام شدند، می جنگند. اخیراً رهبر جدید القاعده، ایمن الظواهری، مسلمانان ترکیه، عراق، لبنان، اردن و کشورهای دیگر را برای ارائه هر گونه کمک به «برادران سوری» فراخواند.

مقر «ارتش آزاد سوریه» در ترکیه واقع است و در ماه نومبر سال گذشته در حدود ۶۰۰ نفر «جندالله» وابسته به القاعده لیبیا به رهبری عبدالحکیم بالحاج به آن پیوستند. بر اساس ادعای خوزه ماریو ازنار، نخست وزیر سابق اسپانیا بالحاج به سازماندهی عملیات تروریستی ۱۱ مارچ سال ۲۰۰۴ مادرید متهم است. المهدی هتاری لیبیائی که تا قبل از پیوستن به «القاعده»، در ایرلند اقامت داشت، در میان برخی گروه های شبه نظامی در سوریه در نزدیکی مرز ترکیه دیده شده است. وی، فرمانده تیم طرابلس بود و در شورای طرابلس فرد شماره دو بعد از بالحاج به حساب می آمد. هتاری، پس از استعفاء در لیبیا، اعلام کرد که می خواهد به سر زندگی خود در ایرلند باز گردد ولی از ترکیه سر در آورد و از آنجا نیز در رأس یک گروه شبه نظامی به اراضی سوریه وارد شد. تری میسان می نویسد که هتاری وابسته به گروه مبارزان مسلمان لیبیا می باشد که رسماً در لیست سازمانهای تروریستی امریکا قرار دارد، و در ماه جون سال ۲۰۱۰ در میان فعالان مدافع فلسطین در کشتی «ماوی مرمه» حضور داشت

(مأموران امنیتی سازمانهای جاسوسی امریکا نیز در میان هیأت های این کشتی حضور داشتند). هنگام حمله نیروهای ویژه اسرائیل به کشتی، او مجروح گردید و ۹ روز در زندان اسرائیل به سر برد و سپس آزاد شد. در سایتهای اینترنتی جهادگرایان اطلاعات زیادی در باره سازماندهی شبه نظامیان و تسلیح آنها در سوریه برای جنگ با دولت این کشور درج شده است. این امر از کشورهای عربی همسایه و ترکیه جریان می یابد. در سایت «انصار المجاهدین» منبع اطلاع رسانی بین المللی شبه نظامیان اسلامی، متن دعوت به جهاد علیه سوریه درج شده (در آنجا، از جمله، ویدئو فیلم وهابیون روسیه نیز درج شده است) و یکی از آنها به نام نصرالدین الحسنی می نویسد، که امیر ابو اسامه المجاهر در عملیات مرز عراق و سوریه کشته شد. ۱۲ فبروری، همام سعید، رهبر «اخوان المسلمین» در اردن نیز به جهاد علیه دولت سوریه فرمان داد و پیوستن به «ارتش آزاد سوریه» را جزء «وظایف اسلامی» خواند...."

وضع از این هم برای خرابکاری بدتر است. سازمانهای جاسوسی در شبکه مجازی به پخش فیلمهای ساختگی مشغولند و برخی ایرانی های خود فروخته و جاسوس و یا نادان سیاسی که سوراخ دعا را گم کرده اند، به توزیع این بنجلات، بدون جیره و مواجب همت گماشته اند. رسانه های امپریالیستی که هوشیارتر هستند و گرگ باران دیده اند، به راحتی این ایرانیان دم لای تله نمی دهند. آنها در تمام اخباری که از سوریه منتشر می کنند و مطمئن هستند، جعلی است این جمله را اضافه می کنند، که نمی توانند صحت و سقم این اخبار را تأیید کنند، چون این اخبار از طریق غیر مستقیم به دست آنها رسیده است. این رسانه های امپریالیستی جا باز می گذارند که این صحنه های جنگی در هالیوود ساخته شده و یا در حمص اتفاق افتاده است. تازه وقتی خبرنگاران جاسوس امریکا و فرانسه را در شهر حمص به درجه شهادت مفتخر می کنند، رسانه های گروهی امپریالیستی نعره می زنند، که ارتش سوریه صدای آزادی را در حمص خفه کرده است. اینجاست که معلوم می شود مثنی جاسوس سازمانهای امنیتی به نام خبرنگار و کارشناس و مسؤولان تدارکات جنگی و اجیران خارجی که زبان عربی هم بلد نیستند، به طور غیر قانونی از مرزهای یک کشور مستقل و قانونی و عضو رسمی سازمان ملل متحد، بدون روایت رسمی گذشته اند و به کار خرابکاری مشغول بوده اند. طبیعی است که این افراد باید به عنوان مجرم و خاطی در مقابل دادگاههای سوریه پاسخگو باشند و دستگیر و محاکمه شوند. قبل از این اعمال نفوذهای خرابکارانه سفیر فرانسه و امریکا برای تقویت روحیه اپوزیسیون مذهبی در سوریه به شهر حمص خلاف تعهدات بین المللی و بدون اجازه رسمی دولت سوریه و تنها با گردن کلفتی، طلبکارانه مسافرت کردند، تا آنها را به سرنگونی رژیم بشار اسد ترغیب کنند. چندی پیش حتی ۱۳ سرباز فرانسوی در خاک سوریه که با ضد انقلاب همکاری می کردند به اسارت درآمدند. یعنی در ناآرامی های سوریه ارتش فرانسه مستقیماً دخالت دارد و این تجاوز به یک کشور و اعلام جنگ علیه آن است. این نقض آشکار حقوق ملل و نقض صریح منشور ملل متحد است. حد دخالت در امور داخلی کشورها از بلندترین ارتفاع بی شرمی نیز گذشته است. دبیرکل دست نشانده سازمان ملل به جای این که نمایندگان رسمی فرانسه و امریکا را مورد مؤاخذه قرار دهد و رفتارشان را در مداخله آشکار در امور داخلی یک عضو رسمی سازمان ملل متحد محکوم کرده از آنها توضیح بخواهد، در کنار دست اربابش اوباما ایستاده است و مانند گماشته دستورات آنها را اجراء می کند.

ولی علی رغم همه دسیسه های امپریالیستها و اعزام مزدور عرب و کلمبیائی و ترک و لبنانی و عراقی و... به حمص و پاره ای شهرهای دیگر ضد انقلاب سوریه به شدت سرکوب شده و القاعده و عمال اجیر شده خارجی مجبور شده اند خاک سوریه را سراسیمه ترک بنمایند. برنامه امپریالیستها برای "آزاد سازی" حمص و تشکیل

مقری برای دولت به ظاهر قانونی و مورد تأیید امپریالیستها به نام "شورای عالی ملی سوریه" و یا نظایر آن که در لیبیا اختراع کردند با شکست روبرو شده و حالا مجبوراند درجهٔ دخالت را افزایش دهند. از هم اکنون پرچمهای دفاع از "حقوق بشر" را برافراشته اند و از جنایت جنگی سخن می رانند تا راه ورود ارتشهای تجاوزگر ناتو و امریکا و اسرائیل را به خاک سوریه هموار نمایند.

رژیم بشار اسد یک راه بیشتر ندارد. باید به مردم تکیه کند. باید دست از حکومت غارت و چپاول و از استبداد بردارد. باید مردم را در مقابل تجاوز بیگانه مسلح کند. باید احزاب و سازمانهای سیاسی را آزاد کند، سانسور مطبوعات را برچیند تا مردم خودشان به زبان آمده از کشورشان در مقابل تجاوز بیگانه به دفاع برخیزند. بی تفاوتی مردم می تواند ضربهٔ سختی به منافع ملی سوریه بزند. از همین قراین برشمرده روشن است که حکومت دست نشانده ای که در راه است و در واشنگتن و پاریس طرح ریزی شده است تا به چه حد برای مردم سوریه و منطقه خطرناک است.

تجربهٔ لیبیا و سوریه تجارب زنده ای برای آموزش هستند. امپریالیستها اپوزیسیون های ساختگی و وارداتی و ناسیونال شونیستهای خودفروخته و تجزیه طلب و عناصر و افرادی از این زمره را بسیج می کنند، آموزش نظامی می دهند و به اخلال و مبارزه مسلحانه وا می دارند و آنوقت تحت عنوان حمایت از مبارزه مردم و ممانعت از کشتار که خود آنها در شلیک تیر نخست دست خواهند داشت، حقوق بشر را برای نقض حقوق ملل علم می کنند و فاجعه می آفرینند. سازمان ملل در دست آنان برگ برنده ای است تا جنایات خویش را توسط آن مؤسسه توجیه کنند. وتوی روسیه و چین هم دیگری رنگی ندارد و آنها از بالا سر این وتو به اعتبار "نیروی کاذب مردم" به دخالت مستقیم می پردازند و فاجعه می آفرینند. وضع مردم و کشور حتما از قبل نیز بدتر می شود، زیرا هدف رهائی مردم نبوده است، هدف غارت کشور و اسارت مردم است. این تاکتیک نوین امپریالیسم است. این شتری است که می خواهند دم در ایران نیز بخوابانند. تنها زمانی مبارزه به ضد دشمنی خارجی مؤثر است که با احترام به حقوق مردم و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت آنها توأم باشد. مردم را باید برای تقابل با تجاوز بسیج کرد. نمونهٔ اپوزیسیون خودفروختهٔ سوریه برای نیروهای انقلابی ایران تا اپوزیسیون خودفروختهٔ ایران را نیز بشناسند آموزنده است. اپوزیسیونی که حاضر نباشد به بهانهٔ مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، به ضد صهیونیسم و امپریالیسم مبارزه کند و به ضد جنگ و تحریم به پا خیزد، این اپوزیسیون همان احمد چلبی در عراق و برهان غلیونی در سوریه است.

\*\*\*\*\*

**بر گرفته از توفان شماره ۱۴۵ فروردین ماه ۱۳۹۱ آوریل ۲۰۱۲، ارگان مرکزی حزب کارایران**

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل).